

The analysis of social skills and its necessities in Curriculum: the case of students in Estern Azarbaijan

Yasin Tavakkoli, Akbar Soltani

¹ Ph.D. Student in Philosophy of Education, Faculty of Education and Psychology, khorasgan University, Isfahan, Iran

² Ph.D Student in curriculum planning, Faculty of Education and Psychology, Tabriz University, Tabriz, Iran

بررسی و تحلیل مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان استان آذربایجان شرقی و الزامات آن در برنامه درسی

یاسین توکلی*، اکبر سلطانی

^۱ دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، واحد خوراسگان (اصفهان) دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
^۲ دانشجوی دکتری تخصصی برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

Abstract

The purpose of this research is to analyze the social skills and its necessities in curriculum focusing on students of Eastern Azerbaijan Province. The method of this study is of descriptive-survey type. The statistical population consists of male and female elementary and high school students. Being selected through multistage cluster random sampling, 800 students include the research sample, 320 elementary students and 480 high students. Social skill evaluation questionnaire has been applied as the data collecting instrument. Data, then, have been analyzed by means of Anova and Manova and an independent t-test. The results indicates that considering the social skills and their components ,there is a significant difference between girls and boys in public, semi-public, and private schools as well as in enjoying , half enjoying and less enjoying regions. Students' social skills, also, have been meaningful different based on their social status, their major, and their parents' education. Such differences emphasizes the need to revise and change the curriculum so as students can acquire social skills.

Keywords: Curriculum, social status, Educational districts, social skills

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان استان آذربایجان شرقی و الزامات آن در برنامه درسی آنان انجام شده است. روش تحقیق توصیفی، از نوع پیمایشی بوده است. جامعه آماری دانش‌آموزان پسر و دختر ابتدایی و متوسطه تحصیلی است. نمونه آماری این پژوهش ۸۰۰ نفر از دانش‌آموزان استان بوده که ۳۲۰ نفر از آنها مربوط به مقطع ابتدایی، ۴۸۰ نفر مربوط به مقطع متوسطه بوده است که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش، پرسشنامه سنجش مهارت‌های اجتماعی برای دانش‌آموزان و پرسشنامه سنجش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه به کار گرفته شده است. جهت تحلیل داده‌ها از آزمون‌های T مستقل، مانوا و تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که تفاوت بین دانش‌آموزان دختر و پسر، مدارس دولتی، نمونه دولتی و غیر دولتی، مقاطع آموزشی، مناطق برخوردار، نیمه برخوردار و کم برخوردار در مهارت‌های اجتماعی و مؤلفه‌های آن از نظر آماری معنادار بوده است. مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان بر حسب طبقه اجتماعی، رشته تحصیلی و تحصیلات والدین آنها متفاوت بوده است. همچنین این تفاوت‌ها لزوم تجدید نظر در برنامه درسی و تغییر آن به منظور کسب مهارت‌های اجتماعی که از اهداف برنامه‌های درسی است را ضروری می‌نماید.

واژگان کلیدی: برنامه درسی، رشته تحصیلی، طبقه اجتماعی، مناطق آموزشی، مهارت‌های اجتماعی

مقدمه

گرفته، روش‌های آموزشی و درمانی جدیدی مطرح گردیده و افق‌های روشن‌تری آشکار شده است. تمامی این حرکت‌ها و شناخت‌های روز افزون به انسان کمک می‌کند تا به کمیت و کیفیت زندگی اجتماعی خود و دیگران غنای بیشتری ببخشد. (Nelson et al, 2007)

اجتماعی کردن صحیح کودکان و آموزش مهارت‌های لازم به آنان همواره به منزله یکی از اهداف مهم نظام تعلیم و تربیت و برنامه درسی مطرح بوده است. زیرا رشد و اعتلای اجتماعی درسایه اجتماعی شدن حاصل می‌شود که نتیجه آن سازگاری و برقراری ارتباط سالم و صحیح کودکان و نوجوانان با اطرافیان است. بنابراین مطالعه دقیق، برنامه ریزی اولیه، هدف گذاری صحیح و تلاش مستمر برای آموزش و تقویت آن ضروری است و در برنامه درسی بایستی مورد توجه جدی قرار گیرد. (Soltani, 2006) بخش اعظم این امر مهم به عهده آموزش و پرورش گذاشته شده است. نظام آموزش و پرورش هر کشور مجموعه تدابیر سازمان یافته‌ای است که امکانات بالقوه آدمیان را تحقق می‌بخشد و شرایط مناسب را در قالب برنامه‌ها و فرصت‌های آموزشی در اختیار فراگیران قرار می‌دهد تا امکان آشناسدن با سرمایه‌های فرهنگی و تجربیات پیشینیان را پیدا کنند (Hosseininasab, 1998).

یکی از عوامل اصلی فرآیند اجتماعی شدن دانش‌آموزان، علاوه بر نهاد خانواده، مدرسه است. در مدرسه بیش از هر عاملی، برنامه درسی، معلم و روشی که او مورد استفاده قرار می‌دهد، دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. کنکاش پیرامون روش‌هایی که می‌تواند باعث رشد اجتماعی دانش‌آموزان شود از اهمیت فراوانی برخوردار است. (Henry Massen, 1997) در واقع، مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های زندگی، در جهت کسب استقلال در زندگی روزمره و در جهت سازگاری با موقعیت‌های میان فردی تنش‌زا، اهمیت اساسی دارد (Hall, Strydom, 2005, Richards).

آموزش و پرورش، وظیفه آماده کردن نسل جدید برای جامعه امروز را برعهده دارد. این امر در سطح آموزش عمومی شامل سلسله مهارت‌هایی برای زندگی و جنبه‌های

یکی از اهداف مهم برنامه‌های درسی (curriculum) هر نظام آموزشی، علاوه بر بهبود پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، افزایش مهارت‌های اجتماعی آنهاست. دانش‌آموزان در آینده‌ای نه چندان دور، باید در جامعه مستقیماً و مستقلاً به کار بپردازند. لازمه این امر آن است که آنها مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز را فرا گرفته و به رشد اجتماعی قابل قبولی دست یافته باشند.

مهارت‌های اجتماعی، مجموعه رفتارهای فراگرفته قابل قبولی است که فرد را قادر می‌سازد با دیگران رابطه مؤثر داشته و از واکنش‌های نامعقول اجتماعی خودداری کند (Gresham & Elliot, 1984). همکاری، مشارکت با دیگران، کمک کردن، آغازگر رابطه بودن، تقاضای کمک گرفتن، تعریف و تمجید از دیگران و تشکر و قدردانی کردن، مثال‌هایی از این نوع رفتار است. یادگیری این نوع رفتارها و ایجاد رابطه موفق با دیگران، یکی از مهمترین دستاوردهای دوران کودکی است. (Shahim, 2002) متأسفانه همه کودکان، موفق به فراگیری این مهارت‌ها نمی‌شوند و به همین دلیل، اغلب این کودکان با واکنش‌های منفی از سوی بزرگسالان و کودکان دیگر روبه‌رو می‌گردند (Shahi, et al, 2009).

مهارت‌های اجتماعی کودکان می‌تواند تأثیر شگرفی در کارکردهای انطباقی، تحصیلی، کیفیت زندگی و توان بالقوه آنها برای زندگی و آموزش در محیط، با حداقل محدودیت داشته باشد. (Farmand, 1981) نقص مهارت‌های اجتماعی، مشکلی نسبتاً مقاوم و مرتبط با عملکرد ضعیف تحصیلی است که اغلب به مشکلات سازگاری آتی یا اختلالات روانی منجر می‌شود. (Colie, & Chan, 1988) اهمیت مهارت‌های اجتماعی به عنوان مهم‌ترین عامل اجتماعی شدن و سازگاری اجتماعی را هیچ‌گاه نمی‌توان از نظر دور داشت. بی‌شک توجه به هوش اجتماعی، رشد اجتماعی و تربیت اجتماعی در کنار دیگر ابعاد رشد و حیطه‌های تعلیم و تربیت، از جایگاه ویژه‌ای در برنامه درسی برخوردار است. در چشم‌انداز کنونی، در حوزه آموزش مهارت‌های اجتماعی، رویدادهای فراوانی رخ داده، پژوهش‌های بی‌شماری صورت

اجتماعی به شمار می‌رود. فارلی و فیشمن (Farrelly & Fisjman, 1982) تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی را در محیط مدرسه به صورت تجربی بررسی کردند و به این نتیجه رسیده‌اند که همه معلمان و کارکنان مدرسه باید به اجرای برنامه‌های آموزشی دوره متوسطه برای رشد فردی و اجتماعی کمک کنند.

جمالی تازه کند، طالب زاده نوبریان و ابوالقاسمی (Jamali Tazakand & Talebzade Nvbryan & Abolqasemi, 2013) با تحلیل جایگاه مؤلفه‌های تربیت شهروندی در محتوای برنامه درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه نشان دادند که به طور کلی به مؤلفه‌های دانش، مهارت و نگرش‌های شهروندی که مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی (احترام به دیگران، تعاون و همکاری، برقراری ارتباط صحیح با دیگران، تصمیم‌گیری، توانایی انتخاب و مسؤلیت‌پذیری و ...) نیز شامل آنهاست. در کتاب‌های مورد مطالعه در حد بسیار پایینی پرداخته شده است. در پژوهش فوق به دفتر تألیف و برنامه‌ریزی پیشنهاد شده در خصوص بازنگری محتوای کتاب‌های درسی اقدامات لازم معمول گردد.

اوپنهام و تورنی (Openham & Torenti, 2006) ، آموزش مسائل شهروندی و نحوه شکل‌گیری نگرش‌های اجتماعی دانش‌آموزان ۱۰ کشور، از جمله ایران را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که رویه‌ها و گرایش‌هایی که در اثر آموزش علوم اجتماعی شکل گرفته‌اند، چند بعدی بوده و به وسیله سه عامل، که شامل حمایت از ارزش‌های مردم سالارانه، حمایت از حکومت ملی و علایق اجتماعی و مشارکت در انجام امور اجتماعی است، می‌توانند اندازه‌گیری شوند. آنها تفاوت در بین کشورها را به استفاده از روش حفظ کردن مطالب، داشتن احساسات وطن پرستی و آزادی بیان در کلاس درس و به طور کلی به برنامه درسی نسبت می‌دهند.

قلتاش و همکاران (Qltash et al. 2012) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که متأسفانه مؤلفه‌های تربیت شهروندی که یکی از آنها مهارت‌های اجتماعی است، در کتاب‌های درسی علوم اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی توجه کافی و

حرفه‌ای آن است و هدفش این است که افرادی را که می‌خواهند در جامعه زندگی کنند با اصول، قواعد، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی آشنا کند و بتواند شهروندان خوبی را تحویل جامعه دهد. (Aqajani, 2002) در زمینه تأثیر «مدرسه» در کسب مهارت‌های اجتماعی تحقیقات فراوانی صورت گرفته است. لویز و تیموتی (Lewis, Timothy, 1988) به بررسی تأثیر نظم و انضباط موجود در مدرسه بر بازداری و کاهش فراوانی رفتارهای ضد اجتماعی و مشکل‌آفرین پرداختند. نتیجه نشان داد که، برنامه آموزش مهارت‌های اجتماعی به کاهش رفتارهای مشکل‌ساز منجر می‌شود. داده‌های پژوهشی گوناگون حاکی است که ضعف در مهارت‌های اجتماعی موجب بروز مواردی همچون «افت تحصیلی»، «بزهکاری نوجوانان»، «ناسازگاری در مدرسه و سوءمصرف مواد» و «اعتیاد» شده است (Fatehizadeh, Nasr & Fathi, 2008) موریش (Morish, 1978) معتقد است که نهادهای اجتماعی از جمله آموزش و پرورش باید زمینه‌های لازم را برای اعضای خود، در برقراری ارتباط صحیح با محیط و افراد مهیا کنند. این امر ضرورت تربیت شهروند را به منزله کارکرد نظام آموزشی در فرآیند جامعه‌پذیری افراد افزون می‌کند.

اصول آموزش و پرورش در قرن ۲۱ بیش از همه بر ایجاد، پرورش و تقویت مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی در افراد تأکید می‌کند. این اصول عبارتند از: یادگیری برای باهم دانستن، باهم بودن، باهم فعالیت کردن و باهم زیستن و به طور کلی، شهروندی است که از یک سو به مفهوم داشتن حس مسؤلیت برای خود و جامعه و از سوی دیگر درک زمینه‌های اجتماعی، عاطفی و فرهنگی دیگران است (Unesco, 2000). حال این که برنامه‌های درسی آموزش و پرورش ما تا چه میزان در تحقق بخشیدن به این هدف‌ها موفق بوده است، تا چه میزان در برنامه‌های درسی مهارت‌های اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد، نیازمند بررسی‌های اساسی است. وایت‌رمن و رابینسون (Wayterman, Rabinson) معتقدند، رشد اجتماعی و کسب مهارت‌های اجتماعی از دوران کودکی آغاز می‌شود، نوجوانی مرحله‌ای مهم و برجسته از رشد

دچار اضطراب، افسردگی و انزوای اجتماعی می‌کند، می‌تواند ضرورت مطالعه و پژوهش پیرامون مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان را توجیه کند. داده‌های پژوهشی گوناگون که در مباحث قبلی به نمونه‌هایی از آنها از جمله، افت تحصیلی، بزهکاری، ناسازگاری در مدرسه و خارج از آن، سوء مصرف مواد و اعتیاد اشاره شد ناشی از ضعف مهارت‌های اجتماعی است. بنابراین با توجه به مطالبی که عنوان شد، این پژوهش در راستای بررسی و تحلیل مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان استان آذربایجان شرقی به انجام رسید تا به این سؤال کلی پاسخ دهد که، آیا میزان مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان با توجه به جنسیت، نوع مدرسه، رشته تحصیلی و طبقه اجتماعی متفاوت است؟ و در صورت تفاوت معنادار آیا در برنامه‌های درسی مورد توجه قرار می‌گیرد؟

روش پژوهش

با عنایت به ماهیت موضوع و اهداف کلی تحقیق، از روش تحقیق توصیفی، از نوع پیمایشی برای انجام پژوهش استفاده شد. از آنجا که در این پژوهش مداخله یا دستکاری روی آزمودنی‌ها صورت نگرفت، طرح پژوهشی در زمره طرح‌های توصیفی و از نظر هدف، در زمره پژوهش‌های کاربردی بود، چراکه نتایج آن می‌تواند در برنامه ریزی درسی و آموزش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان به کار رود.

جامعه آماری در این پژوهش عبارت بود از کلیه دانش‌آموزان ابتدایی و متوسطه استان آذربایجان شرقی که در سال تحصیلی ۹۲ - ۱۳۹۱ در یکی از مدارس، مناطق ۳۹ گانه استان، مشغول به تحصیل بودند. در این پژوهش برای انتخاب نمونه آماری از شیوه تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. بدین صورت که ابتدا مناطق را در سه منطقه آموزشی (برخوردار، نیمه برخوردار و کم برخوردار) قرار داده و سپس از بین مناطق آموزشی، شش منطقه به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. سپس از مناطق مورد نظر، مدارس انتخاب و در نهایت از مدارس انتخاب شده، کلاس‌های نمونه آماری انتخاب شدند. با استفاده از فرمول استیل و توری (۱۹۸۰) حجم نمونه آماری مشخص گردید، که برای مقطع ابتدایی ۳۲۰ نفر، برای مقطع

شایسته نشده است. بنابراین به دست اندرکاران نظام آموزشی توصیه شده است که به منظور تربیت شهروندی با مسؤولیت، تجدید نظر شایسته در برنامه‌های درسی اعمال گردد.

میرلوحی (Mirlohi, 1999) با انجام پژوهشی به این نتیجه رسیده است که آموزش و پرورش ایران در تحقق تربیت اجتماعی ناموفق عمل کرده است. بنابراین برای پرورش مهارت‌های اجتماعی در برنامه درسی بایستی تجدید نظر به عمل آید. اما جباری (Jabari, 2003) در پژوهش خود برنامه‌های دوره متوسطه را در تحقق بیشتر اهداف اجتماعی موفق ارزیابی کرده است. به این ترتیب آشکار می‌شود که وظیفه اجتماعی کردن افراد یکی از کارکردها و از اهداف مهم آموزش و پرورش بوده است. اهداف آموزش و پرورش، معمولاً به صورت مقاصد آرمانی نهادهای پرورشی جامعه و به وسیله برنامه ریزان در سطح وزارت آموزش و پرورش تعیین می‌شوند. این غایت‌ها غالباً خط مشی فلسفی مورد نیاز برای تعیین هدف‌های اختصاصی آموزشی و ریز مواد درسی را به دست می‌دهند (Saif, 2004). این اهداف فلسفه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را منعکس می‌کنند و با نظام اعتقادی و ارزشی جامعه متناسب هستند. (Maliaki, 2001)

متأسفانه آموزش مهارت‌های اجتماعی در کشور ما هنوز به صورت بخشی از برنامه رسمی آموزش در نیامده است. مهارت‌های اجتماعی به صورت برنامه درسی پنهان (Hidden Curriculum) در خلال تعامل دانش‌آموزان با معلمان، دانش‌آموزان با دانش‌آموزان و نیز از طریق کتاب‌های درسی به نسل جدید منتقل می‌شود. در صورتی که با توجه به اهمیت این مهارت‌ها در شکوفایی شخصیت اجتماعی و فردی، در برنامه درسی تجویز شده (Prescribed Curriculum) توسط فراگیران تجربه شود. پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه اندک و گویای کم توجهی به مهارت‌های اجتماعی است. تعداد روزافزون افرادی که در برقراری ارتباط با دیگران مشکل دارند، افرادی که دستخوش ترس از برخوردهای اجتماعی و کمرویی‌اند، نوجوانانی که هنگام ورود به جمع نمی‌دانند چه بگویند و چگونه رفتار کنند و احساس ناتوانی در گفتگو با مردم آنها را

(حدود ۳۰ نفر) از هر مقطع تحصیلی به عنوان مطالعه مقدماتی اقدام شد.

مرحله سوم: اعتباریابی: Reliabilization: در این مرحله از طریق روش محاسبه ضریب پایایی آلفای کرونباخ که روش مناسبی برای به دست آوردن پایایی پرسشنامه بوده، میزان پایایی پرسشنامه‌ها محاسبه شد. قابلیت دقت یکی از ویژگی‌های ابزار اندازه‌گیری است. مفهوم یادشده با این امر سروکار دارد که ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسانی تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می‌دهد. معمولاً، دامنه ضریب پایایی از صفر (عدم ارتباط) تا +۱ (ارتباط کامل) است. ضریب پایایی نشانگر آن است که ابزار اندازه‌گیری تا چه حد ویژگی‌های با ثبات آزمودنی و یا ویژگی‌های متغیر وی را می‌سنجد (Bazargan, 2003). این روش، به محاسبه هماهنگی درونی ابزار پرسشنامه یا آزمون‌هایی که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کند، به کار می‌رود. فلذا با استفاده از روش آلفای کرونباخ میزان پایایی پرسشنامه‌ها محاسبه گردید که، میزان پایایی پرسشنامه سنجش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی برابر با ۰/۸۰۸ به دست آمد و میزان پایایی پرسشنامه سنجش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان مقطع متوسطه برابر با ۰/۷۹۹ به دست آمد که اعتبار قابل قبولی است.

یافته‌های پژوهش

سؤال پژوهشی ۱: آیا بین مهارت‌های اجتماعی و مؤلفه‌های آن در دانش‌آموزان پسر و دختر تفاوت وجود دارد؟

برای مقایسه مهارت‌های اجتماعی و مؤلفه‌های آن در دانش‌آموزان پسر و دختر با توجه به نوع متغیرها از روش MANOVA استفاده شد، که نتایج در جدول شماره ۱ درج شده است.

مندرجات جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که تفاوت کلی دو گروه (دختر - پسر) در مهارت‌های اجتماعی و مؤلفه‌های آن، از نظر آماری معنادار است ($P < 0/001$). با این حال جهت معین کردن و مقایسه تفکیکی مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی از آزمون اثرات بین گروهی استفاده شد که نتایج این آزمون در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

متوسطه ۴۸۰ نفر که، در مجموع ۸۰۰ نفر حجم نمونه آماری را تشکیل دادند. نمونه آماری این پژوهش ۳۱۸ نفر در حدود ۳۹/۷ درصد را دانش‌آموزان منطقه برخوردار، ۳۰۱ نفر در حدود ۳۷/۷ درصد را دانش‌آموزان منطقه نیمه برخوردار و ۱۸۱ نفر در حدود ۲۲/۶ درصد را دانش‌آموزان کم برخوردار تشکیل می‌دهند.

ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش، پرسشنامه سنجش مهارت‌های اجتماعی برای دانش‌آموزان ابتدایی و پرسشنامه سنجش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه به کار گرفته شده است. در این تحقیق به منظور برآورد روایی و اعتبار ابزارهای سنجش مهارت‌های دانش‌آموزان، از پرسشنامه‌های محقق ساخته در مقیاس لیکرت استفاده شده است. سؤالات پرسشنامه‌های تهیه شده، با توجه به فرضیه‌های تحقیق، رشد مهارت‌های اجتماعی فراگیران را می‌سنجد. این مؤلفه‌ها شامل: مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های جرأت ورزی، مهارت‌های مربوط به پرورش حس همکاری و مسئولیت پذیری، مهارت‌های خودگردانی، مهارت‌های درک اجتماعی و شناسایی ارزش‌های جامعه، مهارت‌های مربوط به آشنایی با قوانین اجتماعی و استفاده از خدمات اجتماعی و مهارت‌های مقابله‌ای و ... است. پرسشنامه‌ها، بر اساس دیدگاه واینلند، گات و سرفران، داماس، اسمیت، تمک، میلیرن و دیگران ... طراحی و اعتباریابی شده است. در راستای افزایش کیفیت ابزارهای اندازه‌گیری سه مرحله متوالی به شرح زیر طی شده است:

مرحله اول: مرحله اول ساختار سازی Constriction: این مرحله به شناسایی ابزارهای رایج و معتبر در خصوص سنجش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان مبادرت شده و طی آن شاخص‌های اصلی و خرده مقیاس‌های بنیادی تعریف و تبیین شده است. در این مرحله همچنین روایی محتوایی و صوری ابزارهای اندازه‌گیری با تأکید بر نظرات متخصصان روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی به دست آمده است.

مرحله دوم: رواسازی Validation: در این مرحله به شناسایی میزان همبستگی ابزارهای تدوین شده با ملاک خارجی پرداخته شد. به این ترتیب که از طریق مصاحبه تشخیصی که توسط پژوهشگر با تعدادی از آزمودنی‌ها

جدول ۱ - آزمون‌های چند متغیره

تأثیر	مقدار	نسبت F	درجه آزادی	درجه آزادی خطا	سطح معناداری	تأیید / رد فرضیه
اثر هتلینگ	۰/۱۰۲	۹/۴۱۵	۷	۶۴۳	۰/۰۰۱	تأیید

جدول ۲ - جدول آزمون بین تأثیر مؤلفه‌ها

منبع تغییرات (جنسیت)	درجه آزادی	میانگین مربعات	نسبت F	سطح معناداری	تأیید / رد فرضیه
جرات ورزی	۱	۴۷/۰۰	۴/۵۸۷	۰/۰۳۳	تأیید
خودگردانی	۱	۹۳/۰۹۴	۱۰/۰۶۶	۰/۰۰۲	تأیید
قوانین اجتماعی	۱	۱۸۲/۱۴۳	۱۵/۳۶۵	۰/۰۰۱	تأیید
درک اجتماعی	۱	۴/۸۲۰	۰/۳۷۹	۰/۵۳۸	رد
مسئولیت پذیری	۱	۶۶/۵۲۶	۴/۲۲۹	۰/۰۴۰	تأیید
مقابله‌ای	۱	۵/۷۴۰	۰/۵۹۱	۰/۴۴۲	رد
ارتباطی	۱	۶۹/۹۴۳	۵/۵۹۱	۰/۰۱۸	تأیید

جدول ۳ - جدول آزمون‌های چند متغیره

تأثیر	مقدار	نسبت F	درجه آزادی	درجه آزادی خطا	سطح معناداری	تأیید / رد فرضیه
اثر هتلینگ	۰/۹۵۰	۲/۳۹۳	۱۴	۱۲۸/۴	۰/۰۰۳	تأیید

جدول ۴ - جدول آزمون بین تأثیر مؤلفه‌ها

منبع تغییرات (نوع مدارس)	درجه آزادی	میانگین مربعات	نسبت F	سطح معناداری	تأیید / رد فرضیه
جرات ورزی	۲	۲/۳۴۴	۰/۲۲۹	۰/۷۶۹	رد
خودگردانی	۲	۱۶/۵۸۰	۱/۷۳۹	۰/۱۶۷	رد
قوانین اجتماعی	۲	۱۲/۶۷۶	۱/۰۶۹	۰/۳۴۴	رد
درک اجتماعی	۲	۶۹/۰۳۲	۵/۴۳۳	۰/۰۰۵	تأیید
مسئولیت پذیری	۲	۵۵/۲۲۲	۳/۵۱۰	۰/۰۳۰	تأیید
مقابله‌ای	۲	۱۲/۹۵۶	۱/۳۳۴	۰/۲۶۴	رد
ارتباطی	۲	۹۰/۸۶۶	۷/۲۶۳	۰/۰۰۱	تأیید

آماري معنادار است ($P < 0/001$). با اين حال جهت معين کردن و مقايسه تفکيکی مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعي از آزمون اثرات بين گروهی استفاده شد که نتايج اين آزمون در جدول شماره ۶ ارائه شده است.

مندرجات جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که بين دانش‌آموزان مناطق برخوردار، نيمه برخوردار و کم برخوردار در مؤلفه‌های جرأت ورزی، قوانين اجتماعي و مهارت‌های مقابله‌ای و ارتباطی تفاوت معنادار وجود دارد. در صورتی که در مؤلفه‌های خودگردانی، درک اجتماعي و مسؤليت پذيری تفاوت معناداری با يکديگر ندارند.

سؤال پژوهشی ۵: وجود تفاوت در مهارت‌های اجتماعي چه الزاماتی را در برنامه درسی به وجود می‌آورد؟

با وجود اين که در برنامه درسی آشکارکشور ما مهارت‌های اجتماعي و شهروندی مورد توجه جدی قرار نمی‌گیرد اما در اهداف برنامه درسی توجه به مهارت‌های اجتماعي به صورت کلی تصريح شده است. چنان که نتايج سؤالات نشان می‌دهد تفاوت معناداری بين متغیرهای جنسیت، دولتی و غيردولتی بودن مدارس، مقاطع تحصیلی و برخورداري از توسعه و عدم توسعه يافتگی در پرورش مهارت‌های اجتماعي فراگیران وجود دارد. اما آیا اين تفاوت‌ها در برنامه درسی لحاظ می‌گردد؟ يعني جنسیت، برخوردار و عدم برخوردار بودن مناطق و خیلی از متغیرهای ديگر در تدوين برنامه‌های درسی مورد توجه قرار می‌گیرد؟

تغيير در برنامه درسی یکی از مهمترین الزامات اين تفاوت‌هاست. برنامه‌های درسی بایستی متناسب با جنسیت و نیز شرایط فرهنگي اجتماعي و حتی اقليمي مناطق و نیز میزان توسعه يافتگی متغیر باشد. در حالی که ما برای هر دو جنس و فرهنگ و گویش‌های مختلف تنها از یک برنامه درسی متمرکز استفاده می‌کنیم. وجود برنامه درسی متمرکز و يکنواخت اجازه توجه به اين تفاوت‌ها را نمی‌دهد. برای نمونه زبان به عنوان یک عامل اجتماعي، یکی از مهمترین متغیرهای تسهیل کننده مهارت‌های اجتماعي است. در صورتی که برنامه درسی کشور بر اساس زبان فارسی تدوين و بدان تأکید می‌کند و اين در مناطق دوزبانه و يا چند زبانه و در رشد مهارت‌های اجتماعي تأثير می‌گذارد و يا موضع برنامه درسی در خصوص نوآوری‌ها

مندرجات جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که بين دختران و پسران در مؤلفه‌های جرأت ورزی، خودگردانی، قوانين اجتماعي، مسؤليت پذيری و مهارت‌های ارتباطی تفاوت معنادار وجود دارد. در صورتی که اين دو گروه در مؤلفه‌های درک اجتماعي و مهارت مقابله‌ای تفاوت معناداری با يکديگر ندارند.

سؤال پژوهشی ۲: آیا بين مهارت‌های اجتماعي و مؤلفه‌های آن در بين دانش‌آموزان مدارس دولتی، نمونه و غيردولتی تفاوت وجود دارد؟

برای مقايسه مهارت‌های اجتماعي و مؤلفه‌های آن در بين مدارس دولتی، نمونه و غيردولتی با توجه به نوع متغیرها از روش MANOVA استفاده شد، که نتايج در جدول شماره ۳ درج شده است.

مندرجات جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که تفاوت کلی در بين دانش‌آموزان مدارس دولتی، نمونه و غيردولتی در مهارت‌های اجتماعي و مؤلفه‌های آن، از نظر آماري معنادار است ($P < 0/001$). با اين حال جهت معين کردن و مقايسه تفکيکی مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعي از آزمون اثرات بين گروهی استفاده شد که نتايج اين آزمون در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

مندرجات جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که بين دانش‌آموزان مدارس دولتی، نمونه و غيردولتی در مؤلفه‌های درک اجتماعي، مسؤليت پذيری و مهارت‌های ارتباطی تفاوت معنادار وجود دارد. در صورتی که در مؤلفه‌های جرأت ورزی، خودگردانی، قوانين اجتماعي و مهارت مقابله‌ای تفاوت معناداری با يکديگر ندارند.

سؤال پژوهشی ۳: آیا بين مهارت‌های اجتماعي و مؤلفه‌های آن در دانش‌آموزان مناطق برخوردار، نيمه برخوردار و کم برخوردار تفاوت وجود دارد؟

برای مقايسه مهارت‌های اجتماعي و مؤلفه‌های آن در دانش‌آموزان مناطق برخوردار، نيمه برخوردار و کم برخوردار با توجه به نوع متغیرها از روش MANOVA استفاده شد، که نتايج در جدول شماره ۵ درج شده است.

مندرجات جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که تفاوت کلی در بين دانش‌آموزان مناطق برخوردار، نيمه برخوردار و کم برخوردار در مهارت‌های اجتماعي و مؤلفه‌های آن، از نظر

اجتماعی آنها، متفاوت است و این تفاوت از نظر آماری معنادار است ($P < 0/001$). بنابراین فرضیه پژوهشی مورد تأیید قرار می‌گیرد.

برای تصریح تفاوت‌ها از مقایسه زوجی میانگین‌ها استفاده شد. خلاصه این آزمون در جدول شماره ۸ آمده است. در این جدول، مهارت اجتماعی با توجه به طبقه اجتماعی دانش‌آموزان به دو زیر گروه اصلی تقسیم شده است. زیر گروه اول شامل دانش‌آموزان دارای طبقه اجتماعی پایین و متوسط و زیر گروه دوم دارای دانش‌آموزان طبقه متوسط به بالا و بالا است.

مندرجات جدول شماره ۸ حاکی از آن است که بین طبقه اجتماعی دانش‌آموزان با درآمد زیر ۳۰۰ هزار تومان و طبقه اجتماعی دانش‌آموزان با درآمد بالای ۷۰۰ هزار تومان، از نظر مهارت‌های اجتماعی تفاوت معنادار وجود دارد.

جدید مثل ارتباطات اینترنت و غیره که در رشد مهارت‌های اجتماعی بی تأثیر نیست و برخی مناطق و اشخاص دسترسی و برخی بدان دسترسی ندارند مشخص نیست. گروه‌های مختلف که در تدوین برنامه‌های درسی نقش ایفا می‌کنند، بایستی این اختلاف‌ها را در برنامه درسی لحاظ نمایند. بنابراین ناگزیر در تغییر برنامه درسی هستیم تا بتوانیم براساس تغییرات و تفاوت‌ها در رشد و پرورش همه جانبه مهارت‌های اجتماعی آنان مؤثر باشیم.

فرضیه پژوهشی ۱: مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان برحسب طبقه اجتماعی آنها متفاوت است.

برای تحلیل داده‌های مربوط به این فرضیه از روش تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول شماره ۷ آمده است. مندرجات جدول شماره ۷ نشان می‌دهد که مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان برحسب طبقه

جدول ۵ - جدول آزمون‌های چند متغیره

تأثیر	مقدار	نسبت F	درجه آزادی	درجه آزادی خطا	سطح معناداری	تأیید / رد فرضیه
اثر هتلینگ	۰/۰۷۴	۳/۳۸۰	۱۴	۱۲۸/۴	۰/۰۰۱	تائید

جدول ۶ - جدول آزمون بین تأثیر مؤلفه‌ها

منبع تغییرات (مناطق سه گانه)	درجه آزادی	میانگین مربعات	نسبت F	سطح معناداری	تأیید / رد فرضیه
جرات ورزی	۲	۳۷/۷۵۴	۳/۳۸۴	۰/۰۲۶	تائید
خودگردانی	۲	۳/۷۹۸	۰/۴۱۱	۰/۶۶۳	رد
قوانین اجتماعی	۲	۱۷۳/۹۶۲	۱۴/۶۷۵	۰/۰۰۱	تائید
درک اجتماعی	۲	۴۴/۰۲۹	۳/۳۶۴	۰/۰۳۲	رد
مسئولیت پذیری	۲	۲۶/۶۵۵	۱/۶۹۴	۰/۱۸۵	رد
مقابله‌ای	۲	۴۸/۵۳۴	۴/۹۹۶	۰/۰۰۷	تائید
ارتباطی	۲	۶۹/۱۵۳	۵/۵۲۸	۰/۰۰۴	تائید

دانش‌آموزان با رشته تحصیلی تجربی از نظر مهارت‌های اجتماعی تفاوت معنادار وجود دارد.

فرضیه پژوهشی ۴: مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان برحسب تحصیلات والدین متفاوت است.

برای تحلیل داده‌های مربوط به این فرضیه از روش تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول شماره ۱۱ آمده است. مندرجات جدول شماره ۱۱ نشان می‌دهد که مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان برحسب تحصیلات والدین آنها، متفاوت نبوده است و این تفاوت از نظر آماری معنادار نبوده است ($P > 0/001$). بنابراین فرضیه پژوهشی مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

فرضیه پژوهشی ۵: مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت (دختر و پسر) متفاوت است.

برای تحلیل داده‌های مربوط به این فرضیه از آزمون t برای مقایسه میانگین دو جامعه مستقل استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول شماره ۱۲ آمده است. مندرجات جدول شماره ۱۲ نشان می‌دهد که مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت متفاوت نبوده و این تفاوت از نظر آماری معنادار نبوده است ($P > 0/001$). بنابراین فرضیه پژوهشی مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

فرضیه پژوهشی ۳: مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان برحسب رشته تحصیلی آنها متفاوت است.

برای تحلیل داده‌های مربوط به این فرضیه از روش تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول شماره ۹ آمده است. مندرجات جدول شماره ۹ نشان می‌دهد که مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان برحسب رشته تحصیلی آنها، متفاوت است و این تفاوت از نظر آماری معنادار است ($P < 0/001$). بنابراین فرضیه پژوهشی مورد تأیید قرار می‌گیرد.

برای تصریح تفاوت‌ها از مقایسه زوجی میانگین‌ها استفاده شد. خلاصه این آزمون در جدول شماره ۱۰ آمده است. در این جدول مهارت اجتماعی با توجه به رشته تحصیلی دانش‌آموزان به دو زیر گروه اصلی تقسیم شده است. زیر گروه اول شامل دانش‌آموزان دارای رشته تحصیلی فنی و انسانی و زیر گروه دوم دارای دانش‌آموزانی است که رشته تحصیلی آنان انسانی، ریاضی و تجربی می‌است.

مندرجات جدول شماره ۱۰ حاکی از آن است که بین دانش‌آموزان با رشته تحصیلی فنی و دانش‌آموزان با رشته تحصیلی ریاضی از نظر مهارت‌های اجتماعی تفاوت معنادار وجود دارد. بین دانش‌آموزان با رشته تحصیلی فنی و

جدول ۷ - تحلیل واریانس یک‌طرفه

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	نسبت F	سطح معناداری
بین گروه‌ها	۵۲۸۴/۱۰۱	۳	۱۷۶۱/۳۶۷	۶/۴۲۸	۰/۰۰۱
داخل گروه‌ها	۲۱۸۱۰۰/۹۳۷	۷۹۶	۲۷۳/۹۹۶		
مجموع	۲۲۳۳۸۵/۰۳۹	۷۹۹			

جدول ۸ - بررسی زیرگروه‌های همگن با توجه مهارت اجتماعی برحسب طبقه اجتماعی

تعداد	زیر گروه‌ها برای $\alpha = 0.05$		طبقه اجتماعی
	۱	۲	
۲۲۱	۱۴۳/۸۶		زیر ۳۰۰ هزار تومان
۲۱۱	۱۴۷/۳۴	۱۴۷/۳۴	بین ۳۰۰ تا ۵۰۰
۲۱۳	۱۴۸/۴۲	۱۴۸/۴۲	بین ۵۰۰ تا ۷۰۰
۱۵۵		۱۵۱/۲۴	بالای ۷۰۰ هزار
	۰/۰۵۹	۰/۱۴۴	سطح معناداری

جدول ۹ - تحلیل واریانس یک‌طرفه

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	نسبت F	سطح معناداری
بین گروه‌ها	۷۱۲۹/۶۳۸	۳	۲۳۷۶/۵۴۶	۸/۶۴۱	۰/۰۰۱
داخل گروه‌ها	۶۳۲۵۷/۳۵۸	۲۳۰	۲۷۵/۰۳۲		
مجموع	۷۰۳۸۶/۹۹۶	۲۳۳			

جدول ۱۰ - بررسی زیرگروه‌های همگن با توجه مهارت اجتماعی برحسب رشته تحصیلی

رشته تحصیلی	تعداد	زیر گروه‌ها برای $\alpha = 0.05$	
		۱	۲
فنی	۵	۱۳۴/۰۰	
علوم انسانی	۱۸۱	۱۴۴/۶۴	۱۴۴/۶۴
ریاضی	۳۷		۱۵۵/۹۷
تجربی			۱۶۱/۴۵
سطح معناداری	۱۱	۰/۴۶۹	۰/۰۹۹

جدول ۱۱ - تحلیل واریانس یک‌طرفه

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	نسبت F	سطح معناداری
بین گروه‌ها	۸۵۱/۷۹۵	۳	۲۸۳/۹۳۲	۱/۰۱۲	۰/۳۸۷
داخل گروه‌ها	۲۱۹۳۰۴/۸۶۸	۷۸۲	۲۸۰/۴۴۱		
مجموع	۲۲۰۱۵۶/۶۶۳	۷۸۵			

جدول ۱۲ - آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین مهارت‌های اجتماعی به تفکیک جنسیت

متغیر	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معناداری
مهارت‌های اجتماعی	پسر	۴۰۵	۱۴۶/۶۳	۱۷/۰۹۰	-۱/۳۶۱	۷۹۸	۰/۱۷۴

بحث و نتیجه گیری

متعدد شناسایی و در ۷ گروه طبقه بندی گردید که عبارتند از: مهارت‌های جرأت ورزی، خودگردانی، قوانین اجتماعی، درک اجتماعی و شناسایی ارزش‌های اجتماعی، حس همکاری و مسؤولیت پذیری، مقابله‌ای و ارتباطی.

پژوهش حاضر با هدف بررسی تحلیل مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان استان آذربایجان شرقی و الزامات آن در بر نامه درسی انجام شده است. به همین منظور، مهمترین مهارت‌های اجتماعی با استفاده از نتایج تحقیقات

و یافته‌های پژوهشی انجام یافته، اکثر مدارس تا حدی زیادی در برنامه درسی خود به پرورش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان کمک می‌کنند. زیرا مدرسه در واقع نوعی گروه است و قرار گرفتن در گروه خود به خود بسیاری از نیازهای انسان را ارضا کرده و بسیاری از مهارت‌ها را به شیوه غیر رسمی به افراد آموزش می‌دهد. معنادار بودن تفاوت مؤلفه‌های درک اجتماعی، مسؤلیت پذیری و مهارت ارتباطی بین دانش‌آموزان مدارس دولتی، نمونه و غیردولتی حاکی از آن است که با توجه به وضعیت تحصیلی، طبقه اجتماعی دانش‌آموزان نحوه پرورش مهارت‌های فوق در مدارس یادشده متفاوت بوده و لزوم توجه جدی از طرف مسؤلان آموزش و پرورش کشور را می‌طلبد تا نسبت به برنامه‌های درسی خصوصاً برنامه درسی پنهان که در قالب فرهنگ، ارزش‌ها و باورها به دانش‌آموزان انتقال می‌یابد، عنایت نمایند.

در پاسخ به سؤال سوم تحقیق، مبنی بر این که «آیا بین مهارت‌های اجتماعی و مؤلفه‌های آن در دانش‌آموزان مناطق برخوردار، کم برخوردار و نیمه برخوردار تفاوت وجود دارد؟» می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که بین دانش‌آموزان مناطق برخوردار، کم برخوردار و نیمه برخوردار در مؤلفه‌های جرأت ورزی، قوانین اجتماعی، مهارت ارتباطی و مهارت مقابله‌ای تفاوت وجود داشته و این تفاوت از نظر آماری معنادار است. در صورتی که در مؤلفه‌های درک اجتماعی، مسؤلیت پذیری و خودگردانی تفاوت معنادار با یکدیگر نداشته‌اند. نتیجه‌گیری در مورد سؤال چهارم پژوهش با یافته‌های پژوهشی شهیم (Shahim, 1999) و اسماعیل پور و ملکی (Ismaelpoor & Malaki, 2005) همسو است. با توجه به نتیجه‌گیری به عمل آمده از نتایج پژوهش مبنی بر تفاوت مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی بین دانش‌آموزان مناطق مختلف لزوم توجه والدین، معلمان و مسؤلان در فراهم نمودن فرصت‌ها و شرایطی است تا نوجوانان بتوانند ضمن داشتن روابط دوستانه و روابط مثبت با دیگران، از یک زندگی سالم برخوردار باشند. در این موضوع نقش و اهمیت امکانات آموزشی و عدالت آموزشی بیشتر نمود پیدا می‌کند، چرا که

بنابراین در پاسخ به سؤال اول تحقیق، مبنی بر این که «آیا بین مهارت‌های اجتماعی و مؤلفه‌های آن در دانش‌آموزان پسر و دختر تفاوت وجود دارد؟» می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که بین دختران و پسران در مؤلفه‌های جرأت ورزی، خودگردانی، قوانین اجتماعی، مسؤلیت پذیری و مهارت ارتباطی تفاوت وجود داشته و این تفاوت از نظر آماری معنادار است. در صورتی که در مؤلفه‌های درک اجتماعی و مهارت مقابله‌ای تفاوت معنادار با یکدیگر نداشته‌اند. نتیجه‌گیری در مورد سؤال اول پژوهش با یافته‌های پژوهش گرشام و الیوت (Grsham & Elliott, 2002) همسو نیست، اما با یافته‌های پژوهشی وینت زل (Wentzeal, 1997)، شهیم (Shahim, 1999) انصاری (Ansari, 2001)، شجری (Shajari, 2003) و شاهی و همکارانش (Shahi et al, 2008) همسو است. با توجه به نتیجه‌گیری به عمل از نتایج تحقیق مبنی بر تفاوت مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی بین دانش‌آموزان دختر و پسر، ضرورت آموزش مهارت‌های اجتماعی در دنیای مدرن بیش از پیش رانمایان می‌سازد. دانش آموزان روزی برای برقراری ارتباط صحیح با دیگران، رعایت قوانین اجتماعی و مهارت‌های دیگر که از آنها نامبرده شد باید مجهز به این گونه مهارت‌ها بوده تا بتواند گرهی از مشکلات زندگی خود را گشوده و باری بر مشکلات جامعه نیفزاید.

در پاسخ به سؤال دوم تحقیق، مبنی بر این که «آیا بین مهارت‌های اجتماعی و مؤلفه‌های آن در دانش‌آموزان مدارس دولتی، نمونه و غیر دولتی تفاوت وجود دارد؟» می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که بین دانش‌آموزان مدارس دولتی، نمونه و غیر دولتی در مؤلفه‌های درک اجتماعی، مسؤلیت پذیری، و مهارت ارتباطی تفاوت وجود داشته و این تفاوت در سطح از نظر آماری معنادار است. در صورتی که در مؤلفه‌های جرأت ورزی، قوانین اجتماعی، خودگردانی و مهارت مقابله‌ای تفاوت معنادار با یکدیگر نداشته‌اند. نتیجه‌گیری در مورد سؤال دوم پژوهش با یافته‌های پژوهش فاتحی زاده و همکاران (fathizadeaet al, 2008)، اسماعیل پور و ملکی (Ismaelpoor & Malaki, 2007) است. با توجه به نتیجه‌گیری به عمل آمده از تحقیق

فرضیه پژوهشی مورد تأیید قرار گرفت. نتیجه‌گیری در مورد فرضیه پژوهشی با یافته‌های پژوهشی شهیم (Shahim, 1999)، راهنما و علیین (Rahnoma & ealyin, 2005)، رحیمی و همکارانش (Rahimi et al. 2006)، اسماعیل پور و ملکی (Ismael poor & Malaki, 2005) و فاتحی زاده و همکارانش (Fatehizadeh et al, 2008) همسو است. معمولاً دانش‌آموزانی که از مهارت‌های تحصیلی و اجتماعی بیشتری برخوردار هستند به رشته‌هایی که دارای جذبه‌های اجتماعی بیشتری بوده روی می‌آورند. در حالی که دانش‌آموزانی که از مهارت‌های تحصیلی و اجتماعی پایین‌تری برخوردار هستند در رشته‌هایی تحصیل می‌کنند که از جذبه اجتماعی کمتری برخوردار است.

در پاسخ به فرضیه پژوهشی، مبنی بر این که «مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان بر حسب تحصیلات والدین آنها متفاوت است.» می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که تفاوت مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان بر حسب تحصیلات والدین آنها، از نظر آماری معنادار نبوده است. بنابراین فرضیه پژوهشی مورد تأیید قرار نگرفت. نتیجه‌گیری در مورد فرضیه پژوهشی پژوهش با یافته‌های پژوهشی مکارمی (Mokarami, 2004) و راهنما و علیین (Rahnoma & ealyin, 2005) همسو نیست. تحصیلات والدین یکی از متغیرهای اساسی و تأثیرگذار در رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان بوده است. والدینی که از تحصیلات بیشتر برخوردار بوده، معمولاً وقت بیشتری را برای پرکردن اوقات فراغت فرزندانشان می‌گذارند. والدین مسؤول، معمولاً با ایجاد روابط چهره به چهره و صمیمانه بین اعضای خانواده و همچنین برانگیختن تعلقات احساسی و عاطفی، بیشترین تأثیر را در پذیرش ارزش‌ها و الگوهای اجتماعی فرزندانشان دارند.

در پاسخ به فرضیه پژوهشی، مبنی بر این که «مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان بر حسب جنسیت (دختر و پسر) آنها متفاوت است.» می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که تفاوت مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان بر حسب جنسیت (دختر و پسر) آنها، از نظر آماری معنادار نبوده است. بنابراین فرضیه پژوهشی مورد تأیید قرار نگرفت. نتیجه‌گیری در مورد فرضیه پنجم

توزیع نامناسب امکانات و کمبود امکانات خود از مشکلات اساسی برای بروز انواع اختلال بوده است.

در پاسخ به سؤال چهارم تحقیق، مبنی بر این که «وجود تفاوت در مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان چه الزاماتی را در برنامه درسی به وجود می‌آورد؟» می‌توان نتیجه گرفت که برنامه درسی مطابق با نیازهای جنسیتی و اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزان بایستی تغییر کند و در این صورت است که عدالت آموزشی که از مهمترین عوامل پیشرفت و ترقی تعلیم تربیت است محقق گردد. برای نمونه؛ زبان که خود محصول یک فرایند اجتماعی است و در تسهیل مهارت‌های اجتماعی فراگیران نقش حیاتی را بازی می‌کند در برنامه درسی به زبان فارسی تأکید شده است و در مناطق دوزبانه و چند زبانه که این مناطق در کشور ما کم هم نیستند، مشکلات عدیده‌ای را هم برای معلمان و هم فراگیران به وجود آورده است.

در پاسخ به فرضیه پژوهشی، مبنی بر این که «مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان بر حسب طبقه اجتماعی آنها متفاوت است.» می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که تفاوت مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان بر حسب طبقه اجتماعی آنها، از نظر آماری معنادار بوده است. بنابراین فرضیه پژوهشی مورد تأیید قرار گرفت. نتیجه‌گیری در مورد فرضیه پژوهشی با یافته‌های پژوهشی رحیمی و همکارانش (Rahimi et al. 2006)، اسماعیل پور و ملکی (Ismaelpoor & Malaki, 2005) و فاتحی زاده و همکارانش (Fatehizadeh et al, 2008) همسو است. نتایج بررسی‌های مختلف حاکی از آن است که دانش‌آموزان با دارا بودن طبقه اجتماعی بهتر، از مهارت‌های اجتماعی بهتری برخوردار هستند. چرا که دانش‌آموزانی که از طبقه اجتماعی بالاتر برخوردار بوده، معمولاً نسبت به مسائل اجتماعی و تحصیلی حساس بوده و از مدیریت خود اتکایی و خودکارآمدی بالاتری نسبت به دیگران برخوردار هستند.

در پاسخ به فرضیه پژوهشی، مبنی بر این که «مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان بر حسب رشته تحصیلی آنها متفاوت است.» می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که تفاوت مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان بر حسب رشته تحصیلی آنها، از نظر آماری معنادار بوده است. بنابراین

Chen, h .Wang, Q. Chen, X (2007).School achievement and social behaviors, across- lagged regression analysis. *Vole*, 33. Issue 6, pp535-540.

-Cole, D. Chan, L. (1988).Methods and strategies for special education. Prentice-Hall.

Farrelly, T, M. Fisjman. C. (1982).Peer-group discussion as a strategy in moral education.<http://www.Clrc.com/pages/overviewpaper.html>.

Foreman, R. A. B. (1981).Conduct disorders, behavioral assessment of childhood disorders. New Yurok, the Guilford Press.

Jabari, K. (2003). Evaluate the success of programs in achieving social goals from the perspective of high school teachers and students Miandoab, MSc thesis, Faculty of Education and Psychology, University of Allameh Tabatabaie. [Persian].

Jamaali taze kand, M, Talebzade Nvbryan, M. and Abolqasemi, M (2013). Analysis of the components of citizenship education in secondary school social science curriculum content, *Journal of Curriculum Development*, tenth year, the second period, No. 10, row 37, Summer 1392, p.19-1. [Persian].

Gresham, F. M, & Elliot, S. N. (1984). Social Skills Deficit as a Primary Learning Disability. *Journal of Learning Disabilities*, 22, pp. 120 – 124.

Hall, I. Stardom, A. Richards, M.(2005).Social outcomes in adulthood of children with intellectual impairment .*Journal of Intellectual Disability Research*.49,171-182.

Hartley, P.(1999).Interpersonal communication.London.Vol5.pp154-240.

Lewis, F. Timothy, J.(1998).Social skill training. *School Psychology Review*,727, 446-59.

Rahnoma, A & Ali, H. (2005). Social development compared to the control and non-control students in Tehran, *Journal magazine*, Shahed University, Year 12, No. 15, pp. 33-44. [Persian]

Rahim, J. et al. (2005). Effect of assertiveness training on social skills, social phobia and self-expression in the first year of public school students, Ahvaz, *Journal of Education and Psychology*, Vol. 13, p.124-111. [Persian].

پژوهش با یافته‌های پژوهشی شهیم (Shahim, 1999)، شجری (Shajari, 2003)، انصاری (Ansarri, 2001)، شاه‌ی و همکارانش (Shahi et al, 2008) و راهنما و علیین (Rahnoma & ealyin, 2005) همسو بوده است. معمولاً در برنامه‌های درسی ما موضوع جنسیت در لابه‌لای برنامه درسی پنهان آموزش داده می‌شود. در کشور ما با توجه به این که نصف جمعیت را دختران و نصف دیگر را پسران تشکیل می‌دهند، باید طوری برنامه ریزی به عمل آید که به نیازهای هر دو گروه به طور متناسب توجه گردد. چرا که هر دو گروه گردانندگان واقعی کشور خواهند بود.

منابع

Aqajani, M. (2002).The effect of life skills training on mental health in adolescents control source. MA thesis, Al-Zahra University in Tehran. [Persian]

Ismael Poor, K & Malaki, H. (2006). Comparison of attitude and social skills of secondary school students in public schools and non-governmental sample the city of Tehran. *Psychology and Educational Sciences*, Allameh Tabatabai University, the first year 6, p.137-156. [Persian].

Ansari, M. (2001). Comparison of control and non-control social development of male and female students in secondary school. MA thesis,TehranUniversity. [Persian].

Aienea afroz N, Abdullah HR (1994). The effect of his absence in academic achievement and social development of children in the scatter plot. Central Provincial Council of Education Research. [Persian].

Behpajoh, A, et al (2007). The effectiveness of social skills training on self-esteem blind. *Journal of Research on psychological health*. Teacher Training University, the first period, No. 3. [Persian].

Bazarghan, A (2003). Educational evaluation, Tehran,publishingsamt.

Hosseinasab, Davod. (1998) content analysis is Persian and mathematics textbooks of primary school, education research project in East Azerbaijan Province. [Persian].

Saadatnagad, A (2001). Comparing the social development of students and expressive control, master's thesis, Tehran University. [Persian].

-Soltani, A. (2006). The impact on the growth of cooperative learning social skills students' master thesis, Tabriz, Faculty of Psychology and Educational Sciences. [Persian].

Saif, A. (2004). Educational psychology, Tehran, publishing aware. [Persian].

Hill, sh. Strake, K. (2002). Impact substance use and violence. Washington, my.

http://www.hspc.org/impact_substance_saps

Malaki, Ch. ,Elliott (2002). Children's social behaviors predictors' Alongitudinal analysis. Vole, 11.p.7-23.

Masen, G. Lansheer, J.(2000). Peer- perceived social competence and academic achievement of low lrvl.vol,28 .issue 1.pp29-39.

Malaki, Ch. Elliott.(2002).Children's social behaviors predictors of academic achievement .a longitudinal analysis.vol, 11 Issue 1.pp 7- 23.

Moorish, S (1978).Document of life skills.
<http://www.savy.search.com>.

Steel, R,G. &Terrie, j .h (1980).Principles and procedures of Statistics .new York: mc, hill, book.com.

Wetzel,L (1997).Relation between social competence and academic achievement in early adolescence. Child development. Pp1066 -1078.

Archive SID